

## Society Based on the Chronological Order of Quranic Surahs

Abd al-Hadi Feqhizadeh<sup>1</sup>  Mojtaba Mohammadi Anviq<sup>2</sup>  Farzad Dehghani<sup>3</sup> 

1. Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Ilam, Ilam, Iran (Corresponding Author.)

3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Corresponding Email: [mo.mohammadi@ilam.ac.ir](mailto:mo.mohammadi@ilam.ac.ir)

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2024.473319.1380>

### Article History:

Received: 2024-09-09

Revised: 2024-10-18

Accepted: 2024-11-09

Online First: 2025-06-02

### Keywords

Prayer introduction, promotion of prayer culture, institutionalization of prayer, religious nation-building, chronological order of revelation, Meccan and Medinan periods.

### Type of Article:

Research

**Abstract:** Prayer (ṣalāh) is one of the most central ritual practices in Islam and a fundamental requirement of religious commitment. The Qur'an, throughout both the Meccan and Medinan periods, promotes prayer through a structured process aimed at gradually institutionalizing it within society. Observing the stages of promoting prayer-from its initial introduction in Mecca to its full establishment in Medina-reveals a clear model that can be utilized in educational and missionary contexts. This study, using a descriptive-analytical method and based on the chronological order of Quranic revelation, concludes that the Qur'an begins with individual-focused discourse, then progresses through familial and societal dimensions. It highlights the communal functions of prayer, addresses related challenges and impediments, and continues to emphasize its value and respond to adversarial propaganda even after its institutionalization. The research identifies five developmental stages in this process: 1- Introduction of prayer as a cognitive-ethical and ritual practice; 2- Promotion of prayer culture on individual and societal levels; 3- Establishment of discourse and functionalism centered around prayer; 4- Religious and ethical nation-building through prayer; 5- Diagnosis and resolution of challenges facing the religious community and prayer observance. The first stage began early in the Meccan period, followed by the stages of cultural promotion and discourse in the middle and later parts of the same period. Nation-building was initiated during the transition to Medina and was emphasized in the early Medinan period. Finally, during the late Medinan period, the Qur'an presented a detailed stage of diagnostic and corrective engagement, affirming the consolidation of the upright religion with prayer at its core.

### How to cite:

Feqhizadeh, Abd al-Hadi; Mohammadi Anviq, Mojtaba; Dehghani, Farzad . (2025). An Analytical Study of the Institutionalization and Consolidation of Prayer in Society Based on the Chronological Order of Quranic Surahs. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 1-23. <http://doi.org/10.22034/jksl.2024.473319.1380>



## تحلیل فرآیند نهاده‌سازی و تثبیت نماز در جامعه بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها



دریافت: ۱۴۰۳-۰۶-۱۹

بازنگری: ۱۴۰۳-۰۷-۲۷

پذیرش: ۱۴۰۳-۰۸-۱۹

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۳-۱۲


<https://doi.org/10.22034/jksl.2024.473319.1380>

مقاله: پژوهشی

## چکیده

نماز از محوری‌ترین مناسک عبادی اسلام و از لوازم اصلی دینداری است. سوره‌های قرآن در دوره‌های مکی و مدنی با سازوکار مشخصی به ترویج نماز پرداخته و سعی کرده‌اند آن را به تدریج در جامعه نهاده‌سازی کنند. توجه به مراحل تبلیغ نماز در جامعه از آغاز اسلام در مکه تا پایان تثبیت آن در مدینه، الگوی مشخصی را نشان می‌دهد که می‌تواند در امور علمی و تبلیغی قابل استفاده باشد. پژوهش حاضر با توجه به سیر نزول سوره‌های قرآن در مکه و مدینه و با کاربری روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم، فرآیند فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی نماز را از فرد شروع می‌کند و سپس وارد مراحل خانوادگی و اجتماعی می‌شود؛ پس از آن، کارکردهای نماز را در جامعه برمی‌شمارد و آن‌گاه به آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از مسائل مربوط به آن می‌پردازد؛ به علاوه، پس از تثبیت نماز در جامعه، همچنان به تبیین اهمیت و کارکردهای آن پرداخته و به شبهات و دشمنی‌های رسانه‌ای مخالفان در این زمینه پاسخ می‌دهد. این پژوهش به طور کلی، مراحل پنج‌گانه‌ای را جهت نهاده‌سازی و تثبیت نماز از آغاز تا پایان نزول قرآن شناسانده است که عبارت است از: ۱. معرفی نماز به مثابه آیینی معرفتی اخلاقی و مناسکی؛ ۲. فرهنگ‌سازی نماز در سطوح فردی و اجتماعی؛ ۳. گفتمان‌سازی و کارکردگرایی با محوریت نماز؛ ۴. جامعه‌سازی دینی و اخلاقی در پرتو نماز؛ ۵. آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از جامعه دینی و نمازگزار. درباره زمان‌بندی هر یک از این مراحل باید گفت که معرفی نماز از همان ابتدای دوره مکی صورت گرفته و پس از آن، مراحل فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی به ترتیب در میانه و پایان دوره مکی به وقوع پیوسته است. مرحله جامعه‌سازی، در کشاکش آماده شدن مسلمانان برای هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی پی‌ریزی شده و در آغاز دوره مدنی نیز همچنان به صورتی جدی ادامه پیدا کرده است. در نهایت در پایان دوره مدنی، مرحله آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی به صورتی مفصل تبیین شده و بر تثبیت دین قیّم با محوریت نماز تأکید گردیده است.

**واژگان کلیدی:** معرفی نماز، فرهنگ‌سازی نماز، نهاده‌سازی نماز، جامعه‌سازی دینی، ترتیب نزول، مکی و مدنی.

## استناد به مقاله:

فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ محمدی انویق، مجتبی؛ و دهقانی، فرزاد. (۱۴۰۴). تحلیل فرآیند نهاده‌سازی و تثبیت نماز در جامعه بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۲)، ۱-۲۳.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2024.473319.1380>



قرآن کریم به تدریج در طول ۲۳ سال بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده و آموزه‌های لازم برای تثبیت دین قیم را ابلاغ کرده است. این آموزه‌ها و دستورالعمل‌ها طبعاً به صورت آنی اتفاق نیفتاده و مراحل مشخصی را در جامعه اسلامی طی کرده‌اند که توجه به آن‌ها می‌تواند فرآیند مشخصی را در این باره به دست دهد. از این رو، علم مکی و مدنی که به شناخت سیر نزول آیات قرآن از نگاه تاریخی و زمانی در مکه و مدینه می‌پردازد، یکی از دانش‌هایی است که از ابتدای نزول قرآن به آن توجه شده و سفارش‌های فراوانی درباره فراگیری و کاربردی آن در مسائل علوم و تفسیر قرآن ارائه شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۴). علم مکی و مدنی علاوه بر اینکه بیانگر اهتمام ویژه مسلمانان به آیات الهی و ثبت زمان و جزئیات نزول هر کدام از این آیات است (نک: زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۸)، کاربردها و فواید فراوانی در حوزه تفسیر دارد؛ چنان‌که از تفسیر آیات قرآن بدون توجه به این دانش نهی شده است (در این باره نک: قاسم‌پور، ۱۳۸۸، صص ۹۹-۱۲۸). تشخیص زمان نزول آیات قرآن در مراحل تاریخی قبل یا بعد از هجرت، فواید متعددی در مطالعات قرآنی دارد که یکی از آن‌ها، شناخت دقیق‌تر رخدادهای تاریخی صدر اسلام و تبیین صحیح سنت نبوی است؛ چه اینکه نزول تدریجی قرآن در بستر حوادث تاریخی دوره زندگانی پیامبر اکرم ﷺ پس از عصر بعثت، این امکان را برای قرآن‌پژوهان فراهم کرده است تا با شناخت سوره‌ها و آیات مکی و مدنی و کسب اطلاعات صحیح درباره تقدم و تأخر زمانی نزول آن‌ها، تصورات و معلومات دقیق‌تری از مسائل تاریخ اسلام داشته باشند؛ چنان‌که برای نمونه، برخی با توجه به سیر نزول آیات برده‌داری در قرآن کریم، سعی کرده‌اند تصویر واقع‌گرایانه‌ای از این موضوع و کوشش‌های اسلام برای نسخ تدریجی آن ارائه کنند (نک: ربانی‌خواه و همکاران، ۱۴۰۱، صص ۲۵۶-۲۷۵).

توجه به مکی یا مدنی بودن آیات، تأثیر به‌سزایی در برداشت‌های مفسران از عبارات و مفاهیم قرآنی دارد و در مواردی می‌تواند به دیدگاه‌های مختلفی منجر شود (صالح، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۷۰؛ معرفت، ۱۳۸۸، ص ۴۷)؛ چنان‌که برای نمونه، تفسیر واژه «زکات» در سوره‌های مکی نمی‌تواند همان زکات واجب مشهور در اسلام باشد که در مدینه تشریع شده است؛ بر این اساس، منظور از «زکات» در سوره‌ها و آیات مکی، صرف صدقات و مساعدت‌های مستحب مالی است که جنبه انفاق فی سبیل الله را دارد (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۴۷)؛ یا همین ریشه را در آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی: ۱۴) با توجه به مکی بودن آن، می‌توان بر تزکی اخلاقی و روحی و پیرایش دل و جان از آلودگی‌های معنوی ناظر دانست (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۰۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۲۲).

در این راستا، پژوهش حاضر در صدد است که آیات مربوط به نماز در قرآن کریم را بر اساس ترتیب نزول بررسی و فرآیند نهادینه‌سازی و تثبیت آن در جامعه را تحلیل کند. این آیات در شرایط گوناگونی نازل شده و برخی از آن‌ها در سال‌های آغازین اسلام در مکه و برخی دیگر در سال‌های مربوط به حاکمیت اسلام در مدینه فرود آمده است. توجه به سیر نزول این آیات در مکه و مدینه در شرایط گوناگون اجتماعی و فرهنگی می‌تواند فرآیند مشخصی را از چگونگی نهادینه‌سازی و تثبیت نماز در قالب مراحل منسجم و به‌هم‌پیوسته ارائه کند؛ هدفی که پژوهش حاضر با توجه به سیر تاریخی نزول سوره‌های قرآن کریم و با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای استنادی در پی تحقق آن است. با توجه به موضوع پژوهش، روش کار مبتنی بر تحلیل آیات قرآنی به‌عنوان داده‌های اولیه است؛ افزون بر آنکه به توصیف و تبیین دیدگاه‌های مفسران نیز در کنار تحلیل آیات قرآنی توجه می‌شود. لازم به ذکر است که سطح تحلیل پژوهش از نوع تحلیل محتوا بر اساس روش تنزیلی است؛ چنان‌که در گام اول آیات مرتبط با نماز استخراج و در گام دوم به ترتیب نزول مرتب‌سازی می‌شود و سپس بر حسب محورهای موضوعی و فضای نزول، به تحلیل محتوای آن‌ها می‌پردازیم و در نهایت، جهت کشف جهان‌بینی قرآنی در نهادینه‌سازی مراحل، به صورت منظم آن‌ها را تبیین می‌کنیم.

روش تنزیلی، متناسب با نیازهای هدایتی مخاطبان، در هر سوره با ابزار حکمت ظرفیت‌سازی می‌کند تا هدایت جوامع تا حد نهایی سعادت‌مندی به ظهور برسد و وصول به مدل اسلامی تغییر و تحول میسر شود و چگونگی دست‌یابی به روش‌های تثبیت و تغییر و تحول و روش‌های نهاده‌سازی ارزش‌های فرهنگی در جامعه از منظر اسلام و الگوهای جهانی و جاودانه تغییر و تثبیت، امکان‌پذیر باشد (نک: بهجت‌پور، ۱۳۸۹، ص ۳۶؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، صص ۳۵۵-۳۵۶؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۳، ص ۹۳). رسالت اسلام بر تخلیه فرهنگ‌های جاهلی و تثبیت فرهنگ و حیانی است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۷۵). روش قرآن در تحول سازوکارهای جامعه جاهلی با فطرت انسان‌ها هماهنگ است و به همین سبب، قابل تسری به جوامع انسانی دیگر است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۷۶). قرآن به تناسب بحران‌های جدید موضع می‌گرفت و جامعه ایمانی را از آن موانع و چالش‌ها عبور می‌داد (بهجت‌پور، ۱۳۸۹، ص ۴۷). در این روش، همان‌طور که باید فهم محتوا را با وسواس و دقت کشف و استخراج کرد، روش تحول‌آفرینی تدریجی اسلام را نیز باید با دقت و حساسیت و خلوص استخراج و ابعاد آن را مشخص نمود (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

یکی از راه‌های شناخت سیر نزول آیات قرآن در روش تنزیلی، روایات ترتیب نزول سوره‌هاست (در این باره نک: نکنونام، ۱۳۸۰، صص ۱۲۸-۱۴۷) که عمدتاً از ابن عباس نقل شده و مورد اعتماد دانشمندان علوم قرآنی قرار گرفته است (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۵۶). این روایات به بیان ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته است؛ مانند روایتی که یعقوبی در تاریخ خود از محمد بن سائب کلبی از ابی‌صالح از ابن عباس نقل کرده و در آن، ۸۲ سوره از قرآن را مکی و ۳۲ سوره را مدنی دانسته و در مقام ذکر توالی و ترتیب آن‌ها یکی پس از دیگری، از حرف عطف «ثم» یاد کرده است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، صص ۱۱۶-۱۲۰). این روایت مبنای پژوهش حاضر قرار گرفته و سیر نزولی آیات مربوط به نماز بر اساس نقل مذکور تحلیل شده است. افزون بر آن، این مقاله به پژوهش محمدهادی معرفت در ترتیب نزول سوره‌ها نیز که با توجه به روایت‌های ابن عباس و جابر بن زید و بر اساس نسخه‌های متعدد ترتیب‌بندی شده است (معرفت، ۱۳۸۸، صص ۵۷-۵۸)، توجه کرده است (نک: جدول پیوست در انتهای مقاله). این ترتیب نزول، از سوی پژوهشگران پیشگام روش تنزیلی در عصر حاضر، از جمله عبدالکریم بهجت‌پور نیز بررسی و تأیید شده است (نک: بهجت‌پور و سلطانی، ۱۴۰۱، صص ۱۰۱-۱۲۶).

با توجه به توضیحات مزبور، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که فرآیند نهاده‌سازی و تثبیت نماز در جامعه عصر نزول که قابل تسری به جوامع دیگر است، با توجه به روش تنزیلی و تحلیل محتوای آیات قرآن کریم چگونه بوده است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

توجه به ترتیب نزول سوره‌ها در تفسیر و تحلیل آیات قرآن کریم در میان عالمان اسلامی سابقه‌ای دیرینه دارد؛ اما نگارش کتب تفسیری بر اساس ترتیب نزول را باید پدیده‌ای معاصر دانست که در تفاسیری همچون بیان المعانی عبدالقادر ملاحویش آل غازی، التفسیر الحدیث محمد عزت دروژه، فهم القرآن الحکیم؛ التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول محمد عابد الجابری و پایه‌پای وحی؛ تفسیر تدبری قرآن بر حسب نزول مهدی بازرگان قابل پیگیری است.

در همین راستا در سال‌های اخیر، عبدالکریم بهجت‌پور سبکی را با عنوان تفسیر تنزیلی دنبال کرد و اهمیت آن را با نگارش کتاب‌هایی از جمله همگام با وحی نشان داد. افزون بر آن، مقالات زیادی با تأکید بر ترتیب نزول و به روش تنزیلی نگارش شدند و موضوعات گوناگون را با این روش بررسی کردند که از این میان می‌توان به مقاله «مواجهه قرآن با برده‌داری در سیر خطی نزول» اشاره کرد که در آن سعی شده است با توجه به ترتیب نزول آیات مربوط به برده‌داری، تصویر واقع‌گرایانه‌ای از این موضوع و کوشش‌های اسلام برای نسخ تدریجی آن ارائه شود (نک: ربانی‌خواه و همکاران، ۱۴۰۱، صص ۲۵۶-۲۷۵).

در موضوع نماز نیز که موضوع پژوهش حاضر است، در مقاله‌ای با عنوان «نهاده‌سازی فرهنگ نماز بر اساس سیر نزول آیات»<sup>۱</sup> به ترتیب نزول قرآن کریم و روش تنزیلی توجه شده و این نتیجه به دست آمده است که قرآن در گام اول به تبیین تأثیر نماز و نتیجه آن و سپس به احکام نماز و معرفی الگو می‌پردازد. این پژوهش که به‌درستی بر حرکت قرآن از خودسازی فردی به سمت جامعه‌سازی تأکید کرده، الگوی قرآنی این حرکت را در دوره‌هایی که با دوره‌های دیگر قابل تطبیق باشد، معرفی نکرده است؛ چیزی که پژوهش حاضر با معرفی مراحلی به‌هم‌پیوسته در این زمینه، به دنبال رسیدن به آن است.

### ۳. مراحل نهاده‌سازی و تثبیت نماز در جامعه بر اساس ترتیب نزول

با دقت در آیات قرآن کریم می‌توان فهمید که تلاش برای نهاده‌سازی و تثبیت نماز در جامعه و فرایند انتقال آن به نسل‌های آینده، به‌تدریج و طی مراحل مشخص انجام شده است که در ادامه به ذکر و تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۳-۱. معرفی نماز به‌مثابه آیینی معرفتی اخلاقی و مناسکی

نماز در دین اسلام از آغاز بعثت پیامبر اکرم ﷺ اهمیت فراوانی داشته و همواره از سوی قرآن و روایات بر آن تأکید شده است؛ گو اینکه نماز محوری‌ترین عمل و مناسکی است که دیگر آیین‌ها و رفتارهای عبادی و عملی مسلمانان، به‌واسطه آن رونق می‌گیرد. امام علی (ع) در نامه خویش به محمد بن ابی‌بکر فرمود: «صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْ الْمُؤَقَّتِ لَهَا، وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتُهَا لِغَرَاغٍ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتُهَا لِاشْتِغَالٍ، وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ: نماز را در زمان معین آن بگزار و به سبب داشتن فراغت و نداشتن کار، در گزاردن آن شتاب مکن و نیز به سبب داشتن کار، آن را دیر مگزار. بدان که هر یک از کردارهای تو، پیرو نماز توست» (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

در روایات نقل است که پس از آغاز رسالت پیامبر اکرم ﷺ در بیست و هفتم ماه رجب (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۹۰)، جبرئیل نزد آن حضرت آمد و چگونگی اقامه نماز را به او تعلیم داد. در نقلی از زهری و قتاده و کلبی آمده است که جبرئیل به پیامبر اکرم ﷺ نحوه گرفتن وضو و اقامه نماز را تعلیم داد و پس از آن، آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق: ۱) را به او اقرار کرد. آنگاه پیامبر اکرم ﷺ نزد همسر خویش خدیجه (ع) بازگشت و او را از چیزی که به وسیله آن گرامی داشته شده بود، باخبر کرد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۱). مشابه این روایت را طبری در تاریخ خود نقل کرده است که جبرئیل برای نخستین‌بار در روز شنبه و سپس یکشنبه با پیامبر اکرم ﷺ ملاقات کرد؛ آنگاه در روز دوشنبه، امر رسالت را به او ابلاغ کرد و نحوه گرفتن وضو و برپا داشتن نماز را به آن حضرت ﷺ تعلیم داد و آیات سوره علق را نازل کرد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳۰۴). در خبر دیگری آمده است که پیامبر اکرم ﷺ پس از یادگیری وضو به‌واسطه جبرئیل، وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد؛ آنگاه شادمان نزد خدیجه رفت و موضوع را با وی در میان نهاد و آنجا نیز دو رکعت نماز خواند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۱). یعقوبی در این‌باره آورده است:

اولین نمازی که بر پیامبر اکرم ﷺ واجب شد، نماز ظهر بود؛ چنان‌که جبرئیل نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و چگونگی گرفتن وضو را به او تعلیم داد. سپس آن حضرت همانند جبرئیل وضو گرفت. آنگاه جبرئیل نحوه اقامه نماز را به رسول خدا آموخت و او نیز مانند جبرئیل نماز گزارد... پس از آن نزد خدیجه (ع) رفت و او را از این امر آگاه کرد. خدیجه (ع) وضو گرفت و نماز گزارد. پس از چندی علی (ع) پیامبر اکرم ﷺ را در حال نماز دید و همانند پیامبر آن کار را انجام داد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳).

۱. روستایی، زینب؛ کوهکن، طاهره. (۱۳۹۸). نهاده‌سازی فرهنگ نماز بر اساس سیر نزول آیات. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۰ (۳۶).

با توجه به مطالب پیش گفته، تشریع نماز در جایگاه مهم‌ترین عمل عبادی اسلام که آغازگر فرایند اتصال عبد و معبود است، بلافاصله پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و پیش از نزول سوره علق انجام گرفته است. پس از آن نیز نخستین سفارش پیامبر اکرم ﷺ به تازه‌مسلمانان درباره نماز بود؛ زیرا نماز مهم‌ترین عنصر تبلیغی ایشان به شمار می‌رفت. در روایتی از عقیف کندی نقل است که پیامبر اکرم ﷺ در اوایل بعثت، در مسجد الحرام و روبه‌روی کعبه قرار می‌گرفت و به نماز می‌ایستاد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳۱۱).

نماز از ابتدا جزء لاینفک زندگانی مسلمانان قرار گرفت و آنان در هر شرایطی و در هر موقعیتی، نماز را به‌عنوان فریضه‌ای محوری به جا می‌آوردند؛ چنان‌که مسلمانانی هم که در صدر اسلام ایمان خود را مخفی می‌کردند، به مکان‌های خلوت می‌رفتند و در آنجا نماز خود را برپا می‌داشتند. برای نمونه، از سعید بن زید بن عمرو بن نفیل روایت شده است که: ما مسلمانان برای مدتی اسلام خویش را پنهان می‌کردیم و تنها در خانه‌ای بسته یا دره‌ای خالی نماز می‌گزاردیم و نگاهمان به یکدیگر بود (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۶). از سعد بن ابی وقاص نقل شده است:

من و سعید بن زید به همراه خباب بن ارت و عمار بن یاسر و عبدالله بن مسعود، در دوران کتمان اسلام به دره‌ای دُب رفتیم و پس از گرفتن وضو مشغول نماز شدیم و ناگهان با عده‌ای از مشرکان که ما را زیر نظر گرفته و تعقیب کرده بودند، مواجه گشتیم. آنان بر ما خرده گرفتند و از کارمان بیزاری جستند، تا اینکه به ما حمله کردند و ما را آزار دادند. در آن حال، استخوان آرواره شتری برداشتم و یکی از مشرکان را مضروب کردم و زخم شدیدی برداشت. ما در آن روز بر مشرکان چیره شدیم و توانستیم آنان را از دره بیرون کنیم. من اولین نفری بودم که در دفاع از اسلام خونی جاری کرد (نک: بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳۱۸).

در دوره‌های بعد نیز در عصر حیات پیامبر اکرم ﷺ، به شیوه‌های گوناگون از سوی آیات قرآن و سنت نبوی اهمیت فراوان نماز همواره گوشزد می‌شد. افزون بر آن، در دوره ائمه علیهم‌السلام نیز سفارش‌های بسیاری در این باره نقل شده است. آیات قرآن کریم در مرحله معرفی نماز، نخست به اهمیت رابطه بین عبد و معبود از رهگذر این آیین پرداخته و در گام بعدی به تبیین نقش نماز در رستگاری انسان دست زده است. در ادامه به بحث و گفت‌وگو درباره این گام‌ها می‌پردازیم.

### ۱-۳- تأکید بر برقراری ارتباط بین عبد و معبود با محوریت نماز

نخستین سوره‌های نازل‌شده در مکه بهر معرفی آیین نماز در قالب رابطه مستقیم «عبد» و «معبود» تأکید می‌کند. برای نمونه، در آیات سوره علق و در سیاقی عتاب‌گونه نسبت به مشرکان آمده است: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \* عَبْدًا إِذَا صَلَّى: به من بگو آن کس که بنده‌ای را چون به نماز ایستد، باز می‌دارد» (علق: ۹-۱۰). مراد از «عبد» در این سیاق، پیامبر اکرم ﷺ و مراد از کسی که ایشان را از اقامه نماز نهی کرد، ابوجهل (نک: ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۷۶۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۶۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۴۵۰) یا بنا به قولی، ولید بن مغیره (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۳۰) بود. این سوره به صورت تلویحی، رابطه عالی بین عبد و معبود و رسیدن به معرفت الهی را با مرکزیت نماز قابل تحقق دانسته و نمونه بارز آن را در وجود پیامبر اکرم ﷺ به تصویر کشیده است. این آیات بیانگر آن است که پیامبر اکرم ﷺ از همان آغاز بعثت نماز خوانده و در مقابل، فردی او را از این کار نهی کرده است. با توجه به همین سیاق، برخی بر این باور رفته‌اند که واژه «اقرأ» در آغاز سوره علق، به قرائت نماز اشاره دارد؛ یعنی: «اقرأ [الصلاة] باسم ربك...» (نک: طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۵۶۷). افزون بر آن، شاخص بودن نماز در حرکت انسان به سوی خداوند و طی شدن رابطه عبودیت بین بنده و پروردگار از این رهگذر، در آیه «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ...» (مَزمل: ۲۰) به وضوح قابل استنباط

است. این آیه با مخاطب قرار دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به علم و آگاهی خویش نسبت به بیدار شدن بنده برای ذکر خداوند و اقامه نماز در نیمه شب اشاره می‌کند و ترکیب دوسویه‌ای بین عبد و معبود به کار می‌برد: «رَبِّكَ» در مقابل «أَنْتَ» و «يَعْلَمُ» در مقابل «تَقُومُ»؛ به گونه‌ای که واژگان مذکور به صورتی کاملاً دوطرفه، ارتباط و پیوند عمیق میان خداوند و انسان را به تصویر می‌کشد که در نهایت به شناخت خداوند و پایه‌ریزی درست مسیر حرکت انسان منجر می‌شود.

## ۲-۱-۳. تأکید بر نقش نماز در رستگاری انسان

قرآن کریم پس از تبیین اهمیت رابطه بین عبد و معبود با محوریت نماز، در گام دوم، آیین مناسکی نماز را به مثابه راهی برای رستگاری انسان معرفی می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى \* وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (اعلی: ۱۴-۱۵). نماز در این آیات، با ذکر اسم خداوند و تزکیه بشر هم‌نشین شده است و این معنا را در اذهان متبادر می‌کند که هرکس خود را از تعلقات مادی و نفسانی پاکیزه داشت و خداوند را یاد کرد و به نماز روی آورد، رستگار می‌شود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۷۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، صص ۷۲۲-۷۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۲۶۹)؛ چنان‌که علت نکردن به خواهش‌های نفسانی و وابستگی‌های دنیایی و پاکیزگی از تعلقات، شناخت خداوند و یادکرد اوست و نماز کارآمدترین ابزار آن است. مراد از نماز در این سیاق، نمازهای واجب روزانه تلقی شده است (نک: ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۶۷۰؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۷۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۳۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۲۲)؛ هرچند برخی از مفسران، مصادیق دیگری از جمله نماز عید فطر را نیز برای آن برشمرده‌اند (نک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۸۵)؛ به هر حال، این واژه شامل نماز در همه انواع آن می‌شود و این آیه در صدد بیان این مطلب است که نماز فی‌نفسه راهی برای سعادت‌مندی و فلاح افراد است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۲۶۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۲۹۱).

در مقابل، در همان سوره‌های ابتدایی قرآن، بی‌توجهی به نماز در زندگی موجب دور شدن انسان از مسیر سعادت دانسته شده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ \* إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ \* فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ الْمُجْرِمِينَ \* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر: ۳۸-۴۳). در این سیاق، بهشتیان از دوزخیان سؤال می‌کنند که چه چیز شما را به دوزخ کشاند؟ آنان در پاسخ به صراحت، علت اصلی را اقامه نکردن نماز و خارج شدن از دایره نمازگزاران عنوان می‌کنند. در ادامه، دلایل دیگری همچون بی‌توجهی به اطعام نیازمندان، هم‌نشینی با اهل باطل و انکار روز واپسین نیز از اسباب ورود افراد در دوزخ دانسته شده است (نک: مدثر: ۴۴-۴۶). علل مذکور در این آیات یا یکدیگر رابطه طولی دارند؛ به گونه‌ای که از مهم‌ترین آن‌ها یعنی بی‌توجهی به نماز آغاز شده و به موارد دیگر تسری پیدا کرده است. می‌توان گفت توجه نکردن به نماز، به اطعام نکردن نیازمندان و نشست و برخاست با اهل باطل و در نهایت انکار معاد منجر می‌شود و در مقابل، کاربست نماز از سوی مؤمنان در زندگی، بازدارنده از عوامل بعدی است؛ چه آنکه نماز انسان را به یاد خداوند می‌اندازد و از فحشا و منکر نهی می‌کند و او را به صراط مستقیم دعوت می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۲۵۳). نماز عبادت خداوند است و بدون ایمان به او تحقق نمی‌یابد. بنابراین ذکر آن رمزی برای ایمان و اعتقاد به خداوند و تسلیم در برابر فرمان اوست؛ چنان‌که می‌توان گفت این امور چهارگانه از توحید شروع و به معاد ختم می‌شود و ارتباط انسان را با خالق و خلق و خویشتن دربرمی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۲۵۵).

در آیات هم‌مضمون دیگر نیز در وصف مکذّبان چنین ذکر شده است که آنان دعوت حق را تصدیق نکردند و نماز نخواندند: «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّيْ» (قیامه: ۳۱). در این سیاق، ذکر نماز بلافاصله پس از تصدیق دعوت، به معنای مشخص بودن مسیر سعادت از شقاوت در همان ابتدا، با معیار و میزان نماز است.

## ۲-۳. فرهنگ‌سازی نماز در سطوح فردی و اجتماعی

قرآن کریم پس از معرفی نماز و آغاز فرآیند نهادینه‌سازی آن در مرحله پیشین، در این مرحله در جهت فرهنگ‌سازی نماز در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی قدم برداشته است. فرهنگ‌سازی در این مرحله به معنای آن است که قرآن کریم توجه مخاطبان را با استفاده از ابزارهایی کارآمد، به سمت آن دسته از عناصر و مسائل فرهنگی سوق دهد که در جامعه از آن‌ها غفلت می‌شود و اغلب افراد توجه شایانی به آن ندارند. در این مرحله، قرآن کریم سعی کرده است با استفاده از مشوّق‌هایی شناخته‌شده برای مخاطبان، اهمیت نماز را در سطوح فردی نشان دهد و سپس به تبیین نقش مهم نماز در خانواده بپردازد. در ادامه در این باره توضیحاتی ارائه می‌شود.

### ۱-۲-۳. فرهنگ‌سازی با استفاده از مشوّق‌های شناخته‌شده برای مخاطبان

در این مرحله، قرآن کریم در گام نخست سعی در فرهنگ‌سازی نماز در سطح فردی و تشویق افراد به انجام این آیین مهم با استفاده از مشوّق‌هایی شناخته‌شده برای مخاطبان کرده است؛ چنان‌که در آیه «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف: ۱۷۰)، تمسک‌کنندگان به کتاب آسمانی و اقامه‌کنندگان نماز را دارای اجر معرفی کرده است. «اجر» به معنای پاداشی است که پس از انجام عمل به عامل آن پرداخت می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۷۳؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴). این آیه مشوّقی است که مکلف را برای انجام فریضه نماز جهت دریافت پاداش تشویق می‌کند. در آیه‌ای دیگر، خداوند این مشوّق را براساس انسان‌شناسی فرهنگی محیط، برجسته‌تر و دقیق‌تر تبیین کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَنَفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ: کسانی که کتاب خداوند را می‌خوانند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم پنهان و آشکار می‌بخشند، به داد و ستدی امید بسته‌اند که هرگز زیان ندارد» (فاطر: ۲۹). در این آیه که در سوره مکی فاطر قرار گرفته است و به دوره میانی مکه تعلق دارد (نک: طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۱۰؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۲۸؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۵۰۴)، پاداش اقامه نماز در کنار تلاوت کتاب الهی و انفاق در نهان و آشکار، تجارتی دانسته شده است که هیچ‌گونه نابودی و کساد به آن راه ندارد. توضیح اینکه اقتصاد مکه مبتنی بر تجارت بود و مردمان مکه تجارت و انواع آن را می‌شناختند و به دنبال کسب سود سرشار از این راه بودند و تجربه زیان و کساد ناخوشایند هم داشتند. بر این اساس، هنگامی که خداوند متناظر با گفتمان تجاری شناخته‌شده برای مردمان عصر نزول، پاداش اقامه نماز را تجارت بدون زیان می‌داند، این پاداش برای مخاطبان تجارت‌پیشه، عالی‌ترین و بهترین مشوّق به شمار می‌رود؛ زیرا هیچ تجارتی در دنیا نمی‌تواند با تضمین سود و بدون احتمال زیان همراه باشد.

### ۲-۲-۳. تأکید بر توجه به فرهنگ نماز در خانواده

پس از فراهم کردن بسترهای فردی نماز، خداوند در ادامه، این آیین را در گستره خانوادگی طرح کرده و از دعوت خانواده به نماز سخن گفته است. قرآن در این باره نخست از حضرت اسماعیل علیه السلام با ذکر صفات راست‌وعده و رسول و نبی یاد می‌کند (نک: مریم: ۵۴) و در ادامه، یکی از شاخصه‌های ایشان را دعوت خانواده به نماز برمی‌شمارد: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم: ۵۵). مراد از «اهل» در این آیه، خانواده و خویشاوندان است (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۳۳). هرچند برخی آن را به معنای «قوم»

دانسته‌اند (نک: واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۸۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۱۸)، این دو معنا منافاتی با هم ندارند؛ با این بیان که نماز بعد از حالت نهادینه‌سازی فردی، وارد عرصه خانوادگی و اجتماعی می‌شود. در آیه دیگری نیز که از نظر زمانی در این مرحله قرار می‌گیرد، بر دعوت خانواده به نماز تأکید شده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...» (طه: ۱۳۲). این آیه درباره پیامبر اکرم ﷺ و توصیه به اقامه مداوم نماز در خانواده ایشان است که طبعاً درباره دیگر مؤمنان نیز موضوعیت پیدا می‌کند. تعبیر «أَهْلَكَ» در آیه، برحسب انطباق آن با زمان نزول آیه، خدیجه ﷺ و علی ﷺ، یا این دو شخص و بعضی از دختران پیامبر اکرم ﷺ را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۲۳۹). بر این اساس، پیامبر اکرم ﷺ در وهله نخست می‌بایست به فرهنگ‌سازی نماز در خانواده خویش می‌پرداخت و سپس به تبلیغ و توسعه آن در جامعه اقدام می‌کرد (نک: قرشی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۷۱). همچنین در آیه‌ای دیگر در همین مرحله، به داستان موسی ﷺ و برادرش اشاره می‌کند و می‌گوید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۸۷). این آیه، مرحله دیگری از قیام بنی اسرائیل علیه فراعنه را تشریح می‌کند و می‌فرماید: ما به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و مخصوصاً این خانه‌ها را نزدیک به یکدیگر و مقابل هم بسازید و سپس به خودسازی معنوی پردازید و نماز را برپا دارید و از این طریق روان خویش را پاک کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶۹). در این آیه، تعبیر «بُيُوتًا» به صورت تلویحی از گستردن نماز از خانواده به سمت جامعه در قالب یک کار فرهنگی حساب شده حکایت می‌کند؛ افزون بر آنکه مسلمانان نیز به صورت ضمنی به اقامه نماز با محوریت خانه‌ها تشویق شده‌اند. نکته قابل تأمل این است که در خاتمه سوره انعام نیز بار دیگر به مداومت بر نماز در طول زندگی از زبان پیامبر ﷺ تأکید شده است: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲).

### ۳-۳. گفتمان‌سازی و کارکردگرایی با محوریت نماز

این مرحله که بلافاصله بعد از مرحله فرهنگ‌سازی در آیات قرآن کریم مشهود است و دنبال می‌شود، به دنبال ایجاد فضایی گفتمانی برای نماز و بیان کارکردهای مهم آن در جامعه است. در این مرحله بر این نکته تأکید می‌شود که نماز صرفاً عبادتی نیست که در اوقاتی خاص انجام شود و به پایان برسد؛ بلکه با استفاده از آن می‌توان گفتمان توحیدی را در جامعه نهادینه و کارکردهای آن را در امور گوناگون احساس کرد و سعادت نسل‌های آینده را هم با آن تضمین نمود. در ادامه، دو گام مهم این مرحله را شرح می‌دهیم.

#### ۳-۳-۱. تأسیس گفتمان نماز با تأکید بر درهم‌تنیدگی آن با مسائل اجتماعی

قرآن کریم در گام نخست از مرحله گفتمان‌سازی و کارکردگرایی، به موضوع درهم‌تنیدگی نماز با مسائل اجتماعی جهت تأسیس گفتمان نماز و تقویت سلامت اجتماعی تأکید می‌کند؛ چنان‌که ابتدا پیوند نماز با مهم‌ترین وظیفه اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر را در قالب ماجرای شنیدنی از وصایای لقمان به فرزندش خاطرنشان می‌سازد<sup>۱</sup> و کارکرد آن را در اجتماع یادآور می‌شود. توجه به نظم خطی آیات در قالب ترتیب نزول سوره‌ها بیانگر این نکته است که در گام اول باید نماز اقامه شود و در گام دوم کسانی که اهل نمازند، باید به وظیفه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر عمل کنند و ممکن است در این مسیر، مسائل و مشکلاتی متوجه فرد شود. به همین سبب در ادامه از مفهوم «صبر» در برابر مشکلات سخن گفته است؛ زیرا در همه کارهای اجتماعی به‌ویژه در برنامه امر به معروف و نهی از منکر مشکلاتی وجود دارد و سودپرستان سلطه‌جو و خودخواه، به آسانی تسلیم نمی‌شوند و حتی در مقام اذیت و آزار و متهم ساختن آمران

۱. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ: پسرکم، نماز را به‌پادار و به کار شایسته فرمان ده و از کار ناشایست بازدار و در آنچه بر سرت آید، شکیب کن. بی‌گمان این از کارهایی است که آهنگ آن می‌کنند».

به معروف و ناهیان از منکر برمی‌آیند و بدون صبر و شکیبایی هرگز نمی‌توان بر این مشکلات فائق آمد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۳).

در آیه‌ای دیگر در این مرحله، پیوند نماز با امر اجتماعی مشورت مشهود است: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ: آنان که [فراخوان] پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته‌اند و کارشان رایزنی میان همدیگر است و از آنچه روزیشان داده‌ایم، می‌بخشند» (شوری: ۳۸). خداوند در این آیه در مورد مؤمنانی سخن می‌گوید که شاخصه‌هایی مهم دارند: اول اینکه دستورات خداوند را اجابت می‌کنند، دوم اینکه اقامه نماز می‌کنند، سوم اینکه در مسائل با یکدیگر مشورت می‌کنند و در نهایت اینکه اهل انفاق هستند. توجه به سیر نزول سوره‌های مربوط به نماز، بیانگر آن است که مؤمنان در کنار توجه به برپایی نماز در جامعه، در تصمیمات خود نباید خودخواهانه و انفرادی عمل کنند و با مشورت گرفتن از دیگران بهترین تصمیمات را بگیرند. نتایج این تصمیمات به صورت مستقیم به جامعه برمی‌گردد و این مهم نشانگر تعهد اجتماعی مؤمنان است و آن‌ها دقیقاً به سبب همین تعهد اجتماعی، نسبت به هم‌نوعان خود احساس تکلیف و انفاق می‌کنند. بنابراین قرآن با گفتمان‌سازی دقیق و مهندسی شده، به تدریج با اصلاح فرد و خانواده و تثبیت نماز در آن، به سمت جامعه ایده‌آل حرکت می‌کند.

## ۲-۳-۳. توجه به پرورش نسل نمازخوان و توسعه گفتمان نماز برای آیندگان

در ادامه روند گفتمان‌سازی نماز و کارکردگرایی آن در جامعه، خداوند به پرورش نسل نمازخوان با محوریت نماز توصیه می‌کند: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ \* رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ \* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ \* رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ: پروردگارا، من برخی از فرزندانم را در دره‌ای کشت‌ناپذیر نزدیک خانه محترم تو جای دادم تا در آن نماز برپا دارند. پس دل‌هایی از مردم را خواهان آنان گردان و به آن‌ها از میوه‌ها روزی فرما؛ باشد که سپاس گزارند. پروردگارا، تو آنچه را پنهان یا آشکار می‌داریم می‌دانی و هیچ چیز در زمین و آسمان بر خداوند پوشیده نیست. سپاس خداوند را که با [وجود] پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. به راستی پروردگارم شنوای دعاست. پروردگارا، مرا برپادارنده نماز گردان و از فرزندانم نیز، و دعای مرا بپذیر» (ابراهیم: ۳۷-۴۰).

این آیات از زبان ابراهیم علیه السلام در جایگاه صاحب آیین حنیف بیان می‌کند که علت سکونت دادن خانواده از طرف ایشان در دره‌ای بی‌کشت و زرع نزد خانه حرمت‌یافته خدا، اقامه نماز بوده است و در انتهای سیاق، دوباره درخواست او از خداوند با این بیان که «پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده و نیز از فرزندانم [برپادارندگان نماز قرار ده] و پروردگارا، دعایم را بپذیر»، تکرار می‌شود. این بخش از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام که فرمود: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم: ۴۰)، ظاهراً پس از اتمام بنای کعبه بوده است که از خداوند می‌خواهد او و فرزندان او را از نمازگزاران قرار دهد. البته مقصود این نیست که فقط خود و ذریه‌اش نمازخوان باشند، بلکه مقصود اصلی آن است که از طرف خود و ذریه‌اش نماز به‌پا داشته شود و توسعه پیدا کند. ابراهیم علیه السلام در دعا‌های خویش دو اصل اساسی را که جامع کمالات انسانی است، از خداوند طلب می‌کند؛ یکی اینکه در ایمان به خدا و مقام توحید کامل گردیم و در عبادت خداوند چیزی را شریک قرار ندهیم و دیگر اینکه در عمل برپادارنده نماز باشیم و کعبه را خانه عبادت قرار دهیم (امین، بی‌تا، ج ۷، صص ۹۴-۹۵).

توجه به سیاق آیات مزبور بیانگر این نکته اساسی است که ابراهیم علیه السلام به دنبال پرورش نسل نمازخوان و گستراندن گفتمان نماز با تأکید بر کارکردهای آن در جهان بوده است. بر این اساس، والدین افزون بر اینکه می‌بایست نسبت به نمازهای خویش و مداومت بر آن‌ها تأکید کنند، نباید نسبت به نماز فرزندان و نسل آینده بی‌تفاوت باشند؛ بلکه همواره دغدغه تربیت نسلی نمازخوان را در سر بپروراند.

#### ۳-۴. جامعه‌سازی دینی و اخلاقی در پرتو نماز

در مرحله چهارم از مراحل نهاده‌سازی و تثبیت نماز در جامعه که به اواخر دوران مکی و اوایل دوران مدنی تعلق دارد، قرآن کریم به دنبال جامعه‌سازی اسلامی است که پس از طرح مسائل مربوط به مفاهیم اجتماعی در مراحل پیشین آغاز می‌شود. آیات قرآن کریم در این مرحله در گام نخست به جایگاه رهبر و امام در جامعه اسلامی اشاره می‌کند و پس از آن، به بیان کارکردهای نماز در جهت سامان دادن جامعه اسلامی می‌پردازد. در ادامه، توضیحات مربوط به هر یک از این گام‌ها را بیان می‌کنیم.

##### ۱-۴-۳. توجه به نقش امام در جامعه اسلامی نمازخوان

آیات قرآن در این مرحله، نخست به جایگاه رهبر و امام در جامعه دینی اشاره می‌کند و همزمان با آن، نقش نماز را در این جامعه، محوری می‌داند؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ: آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما راهبری می‌کردند و به آن‌ها انجام کارهای نیک و برپا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستندگان ما بودند» (انبیاء: ۷۳). این آیه درباره رهبران الهی از جمله لوط و اسحاق و یعقوب علیهم السلام سخن می‌گوید که به فرمان خداوند به هدایت انسان‌ها همت می‌گمارند و به کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات مشغول‌اند. آن‌ها تنها خداوند را عبادت می‌کنند و دیگران را نیز به این امر فرامی‌خوانند. این آیه، به نقش رهبر جامعه دینی در توصیه به نماز در گستره‌ای فراتر از فرد و خانواده توجه می‌دهد. شایان ذکر است که آیه مذکور از مفهوم امامت سخن گفته است که مقامی بالاتر از نبوت و رسالت است. تفاوت نبوت و رسالت با امامت این است که پیامبران در مقام نبوت و رسالت تنها فرمان حق را دریافت می‌کنند و از آن خبر می‌دهند و به مردم ابلاغ می‌کنند؛ اما در مرحله امامت، برنامه‌های الهی را از طریق تشکیل حکومت عدل یا بدون آن به مرحله اجرا درمی‌آورند. در این مرحله، آنان مربی و مجری احکام و برنامه‌ها و پرورش‌دهنده انسان‌ها و به‌وجودآورنده محیطی پاک و انسانی‌اند. بنابراین مقام امامت مقام تحقق برنامه‌های الهی و به تعبیر دیگر، ایصال به مطلوب و هدایت تکوینی و تشریعی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۵۵). بر این اساس، اولین اقدام خداوند نسبت به جامعه‌سازی دینی، تأکید بر ادامه گفتمان‌سازی با محوریت نماز و با رهبری امام جامعه است.

##### ۲-۴-۳. بنیان نهادن جامعه با محوریت نمازگزاران و تأکید بر کارکردهای نماز

قرآن کریم در ادامه آیات مربوط به جامعه‌سازی دینی و اخلاقی با محوریت نماز و نمازگزاران می‌فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا \* إِلَّا الْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ \* وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ \* وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيِّمَاتِ الدِّينِ \* وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ \* إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ: بی‌گمان انسان را آزمندی بی‌شکيب آفریده‌اند. چون شرّی بدو رسد، بی‌تاب است و چون خیری بدو رسد، بازدارنده است؛ جز نمازگزاران. آنان که در نمازهایشان پیگیری دارند و آنان که در دارایی‌هایشان حقی معین است برای پرسنده [مستمند] و بی‌بهره و آنان که روز پاداش و کیفر را راست می‌شمارند و آنان که از عذاب پروردگارشان در هراسند. بی‌گمان عذاب پروردگارشان ایمنی‌ناپذیر است» (معارج: ۱۹-۲۸).

خداوند در این سیاق دربارهٔ جنس انسان صحبت می‌کند؛ با این بیان که انسان، حریص و عجل آفریده شده است. او هنگام مواجهه با رنج‌ها و آسیب‌ها بی‌تابی می‌کند و هنگامی که به امکانات و خوشی دست می‌یابد، بخیل می‌شود. در ادامه، نمازگزاران را از اوصاف پیشین استثنا می‌کند و می‌افزاید که نمازگزاران چنین مؤلفه‌های نامطلوبی ندارند؛ زیرا آنان بر نمازهایشان مداومت دارند و اهل صدقه و بخشش به نیازمندان هستند و در عین حال از عذاب خداوند بیمناک هستند و خود را از آن ایمن نمی‌پندارند. توجه به سیاق آیات و مقایسهٔ آن‌ها در یک سیر خطی منطبق با ترتیب نزول سوره‌ها، دربردارندهٔ این پیام است که تمام اوصاف سلبی و ایجابی مؤمنان، در پرتو نماز رشد می‌یابد. سیاق مزبور جامعه‌ای را با محوریت نمازگزاران به تصویر می‌کشد که علی‌رغم توجه به نفس و خودسازی از رهگذر نماز، تعهد اجتماعی دارند. آنان به هم‌نوعان خویش کمک می‌کنند و به سبب خوف از خداوند همواره در تلاش و تکاپو به سر می‌برند. از این رو در این مرحله، خداوند از جامعهٔ دینی ایده‌آل تصویرسازی می‌کند و فرمان می‌دهد که جامعهٔ اسلامی باید با محوریت نمازگزاران واقعی جریان داشته باشد و پویایی خود را حفظ کند.

در ادامهٔ این مرحله، قرآن کریم به دنبال تبیین بیشتر کارکردهای نماز در جامعه و عینی کردن نتایج آن در سطوح گوناگون اجتماعی است. اولین کارکرد نماز در سطح جامعه، تحقق جامعه‌ای بدون بزهکار و انسان‌های مخرب و به تعبیری تقویت سلامت اجتماعی افراد است؛ چراکه از کارکردهای مهم نماز، بازداشتن از فحشا و منکر است:

«أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» آنچه از این کتاب بر تو وحی شده است بخوان و نماز را به پا دار که نماز از کار زشت پنهان و آشکار باز می‌دارد. به‌راستی یادکرد خداوند [از هر چیز] بزرگ‌تر است. خداوند می‌داند که چه انجام می‌دهید» (عنکبوت: ۴۵).

خداوند در این آیه به پیامبر اکرم ﷺ و به تبع آن به مؤمنان دستور می‌دهد که در سایهٔ تلاوت قرآن و اقامهٔ نماز، جامعه‌ای و حیانی و به دور از هیاهوی شیاطین بسازند؛ زیرا این نماز است که از کارهای ناپسند باز می‌دارد. در جامعه‌ای که در آن نماز برپا داشته شود، بزهکاری و ناهنجاری دیده نمی‌شود و در نتیجه مردمان آن از نظر امنیت و سلامت روانی و اجتماعی تأمین می‌شوند. البته برخی از مفسران، این عبارات را در معنای نهی تفسیر کرده‌اند؛ یعنی کسی که نماز می‌خواند، نباید فحشا و منکر انجام دهد (نک: طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۱۲)؛ حال آنکه چنین تفسیری افزون بر ناهماهنگی با سیاق آیه، با فرهنگ‌سازی و حیانی نماز نیز ناسازگار است؛ زیرا بازداشتن از بدی و گناه خاصیت نماز است و اگر کسی نماز بخواند و همچنان به سمت فحشا و منکر گرایش داشته باشد، نمازش واقعی نیست (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸۳۴). باید توجه داشت که اقامهٔ نماز دلالت بر لطف خداوند به انسان دارد؛ زیرا باعث می‌شود فعل زشت و معصیت که برخلاف عقل و شرع است، از انسان سر نزند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴۶). طبیعت نماز، از این جهت که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده از گناه، یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۴).

کارکرد دیگر نماز در جامعه‌سازی دینی و اخلاقی، تأمین سلامت روانی جامعه و تقویت آن بر پایهٔ قوانین الهی است. برای نمونه در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳). تعبیر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در این آیه حائز اهمیت است و به جامعهٔ ایمانی موردنظر اشاره دارد. در این سیاق، خداوند به مؤمنان سفارش می‌کند که از صبر و نماز استمداد جویند. در مورد هم‌نشینی «صبر» و «نماز» و عطف این کلمات به هم، می‌توان گفت هنگامی که انسان در برابر حوادث سخت و طاقت‌فرسا قرار می‌گیرد و نیروی خود را برای مقابله با آن‌ها ناچیز می‌بیند، نیاز به تکیه‌گاهی امن و اطمینان‌آور دارد. اما پرسش اینجاست

که چگونه باید با این تکیه‌گاه ارتباط گرفت؟ پاسخ قرآن این است که در این شرایط بحرانی، «نماز» باعث تقویت سلامت روانی می‌شود و نبود آن، یأس و مشکلات روحی و نهایتاً وادادگی در برابر مشکلات را به همراه دارد. انسان معمولاً در شرایط بحرانی باید در وهله اول شکیبایی پیشه کند تا جلوی آسیب‌ها و رفتارهای مخرب آنی را بگیرد و سپس برای تقویت روان و سلامت معنوی خود، از نماز کمک گیرد. قرآن کریم در بخش پایانی آیه، تأکید مضاعفی بر همراهی خداوند با شکیبایان دارد (نک: دهقانی و مصطفائی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۰). افزون بر آن، نماز در این مرحله می‌تواند جایگزینی نیکو برای تبرج جاهلیت باشد؛ چنان‌که در آیه ۳۳ سوره احزاب، خداوند این مطلب را درباره زنان پیامبر اکرم ﷺ تأکید می‌کند:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» در خانه‌هایتان آرام گیرید و چون خویش‌آرایی دوره جاهلیت نخستین، خویش‌آرایی نکنید و نماز به پا دارید و زکات بپردازید و از خداوند و فرستاده او فرمانبرداری کنید» (احزاب: ۳۳).

البته این یک حکم عام است و تکیه آن بر زنان پیامبر اکرم ﷺ جهت تأکید بیشتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۹۰). بر این اساس، جامعه‌سازی دینی و اخلاقی، برخلاف عصر جاهلیت که بر پایه رفتارهایی ناشایست از جمله تبرج جاهلیت بنا گردیده بود، بر پایه سنت‌های تکوینی و تشریعی خداوند همچون آیین عبادی نماز انجام می‌شود.

### ۳-۵. آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از جامعه اسلامی در مسئله نماز و پاسخ به شبهات

پس از طی شدن مراحل چهارگانه معرفی، فرهنگ‌سازی، گفتمان‌سازی و جامعه‌سازی از سوی آیات قرآن کریم، حال در این مرحله که کاملاً به فضای مدینه تعلق دارد، آیات قرآن جهت جلوگیری از انحرافات و کج‌روی‌ها، به آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از جامعه نمازگزار می‌پردازد و پس از ارائه مؤلفه‌های جامعه ایمانی و تثبیت دین قیّم با محوریت نماز، به کارشکنی‌های مخالفان و شبهات آنان پاسخ می‌دهد که در واقع، آخرین مرحله از مراحل تثبیت نماز است.

#### ۱-۳-۵. آسیب‌شناسی از جامعه اسلامی در مسئله نماز

آیات قرآن کریم در قدم نخست از مرحله پنجم، به آسیب‌شناسی از جامعه اسلامی در مسئله نماز می‌پردازد. یکی از آسیب‌های نماز، ناهشیاری نمازگزار و بی‌توجهی به گفته‌های خویش و اکتفای صرف به ظواهر است؛ حال آنکه نماز باید با توجه و هوشیاری کامل و به دور از مستی و همراه با طهارت باشد (نک: نساء: ۴۳). چنان‌که اشاره شد، این توجهات و جزئیات نسبتاً سخت‌گیرانه، تنها در سوره‌های مدنی قابل پیگیری است و پیش از آن گویا ضرورتی به بیان این قبیل جزئیات احساس نشده است.

بر اساس آیات قرآن کریم، در جامعه اسلامی باید تعهد واقعی و رفتاری به نماز وجود داشته باشد و نبود این تعهد یا کم‌رنگ بودن آن، یکی از آسیب‌های جدی به شمار می‌رود و جامعه را از حرکت به سوی آرمان‌های الهی باز می‌دارد؛ چنان‌که خداوند گروهی از دینداران و نمازگزاران را که با اعلام وجوب جهاد، ترس بر آنان چیره شد و از خداوند درباره چرایی وجوب آن سؤال کردند و درخواست ادامه حیات تا مرگ طبیعی را از خداوند داشتند، مذمت کرده است (نک: نساء: ۷۷). بر این اساس، تعهد به نماز زمانی عملیاتی می‌شود که فرد نمازگزار خود را آماده هرگونه جهاد کند و در این راه بیمی به خود راه ندهد.

از دیگر آسیب‌های طرح‌شده در قرآن پیرامون نماز، اکتفای صرف به نماز و نداشتن تعهد و تکلیف در قبال اذکار پیشین و پسین آن است. درست است که نماز محور اذکار است، اما ذکر باید همیشگی باشد و مؤمن باید در همه حال، خداوند را یاد کند؛ نه فقط در اوقات خاصی که به نمازهای واجب اختصاص داده می‌شود:

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا: پس چون نماز را به پایان بردید، خداوند را ایستاده و نشسته و آرمیده بر پهلو یاد کنید. آنگاه چون آرام یافتید، نماز را برپا دارید؛ زیرا نماز بر مؤمنان فریضه‌ای است که زمان معین دارد (نساء: ۱۰۳).

این آیه در اصل به این دستور مهم اسلامی اشاره می‌کند که معنای برپاداشتن نماز در اوقات معین این نیست که انسان در سایر حالات از یاد خدا غفلت کند؛ بلکه نماز یک دستور انضباطی است که روح توجه به پروردگار را در انسان زنده می‌کند و از این رهگذر، او می‌تواند در فواصل نمازها خداوند را به خاطر داشته باشد؛ خواه در میدان جنگ باشد و خواه در غیر آن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰۴).

از دیگر آسیب‌ها کسالت در نماز است که عمدتاً به منافقان نسبت داده شده است:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَأَوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا: بی‌گمان منافقان با خداوند نیرنگ می‌بازند و او نیز با آنان تدبیر می‌کند. اینان چون به نماز ایستند، با گران جانی می‌ایستند؛ برابر مردم ریا می‌ورزند و خداوند را جز اندکی یاد نمی‌کنند» (نساء: ۱۴۲).

کسالت نوعی ثقلات و سنگینی است و اشاره به آن دارد که شخص از روی بی‌میلی و بی‌ رغبتی و تنها برای ملاحظه مردم نماز می‌گزارد و چه‌بسا اگر در پرده باشد و کسی او را نبیند، نماز به جا نیاورد (طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۴۶). تعبیر «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَأَوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»، وصف دیگری از اوصاف منافقان است؛ به این معنا که چون به نماز می‌ایستند، اولاً به حالت کسالت می‌ایستند و هیچ میلی به نماز ندارند و ثانیاً در صدد آنند به مردم بفهمانند که نماز خوانند؛ با اینکه نماز برترین عبادتی است که خدای تعالی در آن ذکر می‌شود و اگر به راستی دل‌هایشان علقه و محبتی به پروردگار می‌داشت، در توجه به سوی خدا و در ذکر خدا دچار کسالت و سستی نمی‌شدند و عمل خود را به قصد ریا انجام نمی‌دادند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۷۷). سستی در نماز و مسئله ریا، در سورة ماعون نیز مطرح شده است که با توجه به مباحث تفسیر تنزیلی و محتوای آیات این سورة، قاعدتاً باید متعلق به این مرحله باشد؛ درحالی‌که روایات ترتیب نزول، سورة ماعون را جزء سوره‌های مکی دانسته‌اند. البته آیت‌الله معرفت نیز با آنکه این سورة را در جدول خود، سورة هفدهم مکی به شمار آورده، آن را در شمار سوره‌های اختلافی دانسته که از دیدگاه عالمانی مانند ضحاک، در زمره سوره‌های مدنی قرار گرفته است (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۶۱). برخی از پژوهشگران نیز مکی بودن سورة ماعون را چنین توجیه می‌کنند که نمازگزاران موردعتاب در این سورة مشرکان مکه بوده‌اند و «صلاة» در این سورة، به معنای حقیقت شرعی نماز در میان مسلمانان نبوده است (نک: کلباسی اشتری و همکاران، ۱۳۹۸، صص ۲۱۷-۲۳۸).

## ۲-۵-۳. تأکید بر دین قیم با محوریت نماز و پاسخ به کارشکنی‌های مخالفان

در ادامه این مرحله، خداوند متعال هدف نهایی را برپایی دین قیم بر پایه اخلاص دانسته است که نماز و زکات از اجزای محوری آن است: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ: فرمانی نیافته بودند جز اینکه خدا را درحالی‌که دین خویش را برای او ناب کرده‌اند، با درستی آیین بپرستند و نماز برپا دارند و زکات بپردازند. این است آیین پایدار [و استوار]» (بینه: ۵).

واژگان «امر»، «عبادت»، «اخلاص»، «حنیف»، «نماز» و «زکات» از مفاهیم کلیدی در آیه مزبورند که با قرار گرفتن در کنار هم، دین قیم و تثبیت‌شده را می‌سازند و فقدان هر یک از این ارکان، انسان را از پیوند با جامعه کارآمد بازمی‌دارد. اینجا سخن از مردانی است که ذکر خداوند و نماز و زکات را با هیچ تجارتی عوض نمی‌کنند:

«رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ: مردانی که هیچ دادوستد و خرید و فروشی آنان را از یاد خداوند و برپا داشتن نماز و دادن زکات، [به خود] سرگرم نمی‌دارد. آنان از روزی می‌هراسند که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیرورو می‌شود» (نور: ۳۷).

یکی از نکات جالب توجه در پایان این مراحل، قرار گرفتن نماز در متن زندگی مسلمانان و کارکرد مستقیم آن در برنامه‌های گوناگون زندگی است؛ چنان‌که در آیات این مرحله، خداوند نماز را در جایگاه معیاری مشخص و منظم برای تعیین وقت و مدیریت زمان معرفی کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: ای مؤمنان، باید کسانی که بردگان شمایند و نابالغان شما، سه بار از شما رخصت بخواهند: پیش از نماز بامداد و هنگامی که نیمروز لباس خود را درمی‌آورید و پس از نماز عشاء که سه هنگام برهنگی و تنهایی شماست. پس از آن، بر شما و ایشان گناهی نیست [اگر از شما رخصت نگیرند]؛ که گرد شما در گردشند و با یکدیگر به‌سر می‌برید. بدین‌گونه خداوند آیات را برای شما روشن بیان می‌دارد. خداوند دانایی فرزانه است» (نور: ۵۸).

در ادامه، پس از آنکه نهاده‌سازی نماز در جامعه اسلامی به عنوان یک رفتار عبادی و فرهنگی طی دوره ۲۳ ساله نزول آیات قرآن به صورت حساب‌شده‌ای انجام شد و در نهایت با بیان کارکردهای همه‌جانبه نماز و آسیب‌شناسی آن، در جامعه به‌طور کامل تثبیت گردید، خداوند پس از اتمام حجت با مسلمانان، آنان را آماده مقابله با تبلیغات و جنگ رسانه‌ای مخالفان می‌کند. برای نمونه در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مائده آمده است:

«وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمْهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا أَكْفُرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا أَدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ \* فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِّيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ \* وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ: به‌راستی خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از ایشان دوازده سرپرست را برانگیختیم. خداوند فرمود: من با شمایم؛ اگر نماز را برپا داشتید و زکات پرداختید و به پیامبران من ایمان آوردید و آنان را یاری کردید و به خداوند وامی‌نکو پرداختید، من از گناهان شما چشم می‌پوشم و شما را به بوستان‌هایی درمی‌آورم که از بن‌آنها جویبارها روان است. پس از آن، هر یک از شما کفر ورزد، بی‌گمان راه میانه را گم کرده است. پس برای پیمان‌شکنی لعنتشان کردیم و دل‌هاشان را سخت گردانیدیم؛ زیرا عبارات [کتاب آسمانی] را از جای خویش پس‌وپیش می‌کردند و بخشی از آنچه را بدیشان یادآور شده بودند، از یاد بردند. تو پیوسته از خیانت آنان، جز شمار اندکی از ایشان، آگاهی می‌یابی. آنان را ببخشای و درگذر. بی‌گمان خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. از کسانی که می‌گفتند: ما مسیحی هستیم، پیمان گرفتیم. آنگاه آنان بخشی از آنچه را که به ایشان یادآوری شده بود، به فراموشی سپردند. ما هم میان آنها تا روز رستخیز دشمنی و کینه‌جویی افکندیم و زودا که خداوند آنان را از آنچه می‌کردند، آگاه کند» (مائده: ۱۲-۱۴).

ملاحظه می‌شود که خداوند در این آیات به صورت جداگانه به میثاق‌های اخذشده از بنی اسرائیل و نصاری اشاره کرده است. این میثاق‌ها پس از تثبیت امور دینی از آن‌ها گرفته شده بود و نماز نیز رکنی اساسی در آن بود. با این حال، آنان نقض میثاق کردند و راه گمراهی را برگزیدند. جمله «فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (مائدة: ۱۲) که به اتمام حجت با بنی اسرائیل پس از نهادینه شدن دین اشاره دارد، در واقع کنایه‌ای به مسلمانان به شمار می‌رود که مبدا پس از این مرحله نقض پیمان کنند و همچون یهود و نصاری گرفتار غضب الهی شوند.

قرآن کریم در آیات متعددی به مسلمانان می‌آموزد که در مرحله پس از تثبیت نیز باید مراقب کارشکنی‌های دشمنان و مخالفان داخلی باشند. در این زمینه توجه به آیات زیر از همان سوره مانده حائز اهمیت است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ \* إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ \* وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ: ای مؤمنان، هر کس از دینش برگردد، خداوند به‌زودی گروهی را می‌آورد که دوستشان می‌دارد و دوستش می‌دارند؛ در برابر مؤمنان خاکسار و در برابر کافران دشوارند؛ در راه خداوند جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنشگری نمی‌هراسند. این بخشش خداوند است که به هر کس بخواهد، ارزانی می‌دارد و خداوند نعمت‌گستری داناست. سرور شما تنها خداوند است و پیامبر او و [نیز] آنانند که ایمان آورده‌اند؛ همان کسان که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. هر کس سروری خداوند و پیامبرش و آنان را که ایمان دارند بپذیرد، [از حزب خداوند است و] بی‌گمان حزب خداوند پیروز است. ای مؤمنان، آنان را که دینتان را به ریشخند و بازی می‌گیرند، یعنی کسانی را که پیش از شما به آنان کتاب داده شده است و کافران را سرور مگیرید و اگر مؤمنید از خداوند پروا کنید. چون به نماز بانگ برآورید، آن را به ریشخند و بازی می‌گیرند. این از آن‌روست که آنان گروهی هستند که خرد نمی‌ورزند (مائدة: ۵۴-۵۸).

این آیات در ابتدا با بیان اینکه پس از تثبیت دین قیّم الهی، ممکن است مرتدانی باشند که با وجود تثبیت دین و اتمام حجت‌های لازم، از آن روی گردانند، به مسلمانان هشدار می‌دهد که اولاً اگر کسانی از جامعه دینی خارج شوند، ضرری به خداوند و نهادینه شدن دین در جامعه نمی‌رسانند و تنها خود آسیب می‌بینند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۲۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۱۵)؛ ثانیاً مسلمانان باید پس از نهادینه شدن امور دینی، همواره از امام جامعه تبعیت کنند و مغلوب هجوم افکار نادرست دیگران نشوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۱۵).

در این آیات درنهایت، وعده پیروزی حزب خداوند داده شده است و به کسانی که به مفاهیم عبادی و فرهنگی اسلام که در رأس آن‌ها نماز قرار دارد، بی‌توجهی می‌کنند یا آن‌ها را به باد استهزا می‌گیرند، هشدار داده و آنان را بی‌خرد شمرده است. از این‌رو، مسلمانان باید هشیار باشند و پس از تثبیت یک امر دینی از جمله نماز، مغلوب جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن نشوند و در این عرصه ثابت‌قدم باشند؛ زیرا نیروهای شیطانی همواره بر آنند که نماز را کم‌اهمیت جلوه دهند و مسلمانان را از آن نهی کنند (مائدة: ۹۱). با این حال، مسلمانان باید در برابر حمله‌های آنان منفعلانه عمل نکنند و از مواضع دینی خویش دفاع نمایند؛ چنان‌که در آیات بسیاری، شرط مدارا با گروه‌های مخالف، از جمله مشرکان و منافقان، اعمالی همچون نماز دانسته شده است (نک: توبة: ۵ و ۱۱).

## نتیجه‌گیری

۱. بررسی آیات مربوط به نماز به ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم، حاکی از وجود الگویی خاص در فرآیند نهادینه‌سازی و تثبیت آیین محوری نماز در جامعه اسلامی است. در این جهت قرآن کریم در وهله اول، ابعاد فردی نماز را مدنظر قرار می‌دهد و سپس در مراحل بعدی، به جنبه‌های خانوادگی و اجتماعی آن توجه می‌کند و می‌کوشد نماز را به تدریج در جامعه تثبیت کند.
۲. قرآن کریم طی پنج مرحله کلی نماز را در جامعه نهادینه‌سازی و تثبیت می‌کند. این مراحل پنج‌گانه عبارت است از: الف) معرفی نماز به مثابه آیین معرفتی اخلاقی و مناسکی؛ ب) فرهنگ‌سازی نماز در دو سطح فردی و اجتماعی؛ ج) گفتمان‌سازی و کارکردگرایی با محوریت نماز؛ د) جامعه‌سازی دینی و اخلاقی در پرتو نماز؛ هـ) آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از جامعه دینی و نمازگزار و پاسخ به شبهات.
۳. آیین معرفتی اخلاقی و مناسکی نماز، از همان ابتدای دوره مکی از سوی آیات قرآن معرفی شده و پس از آن، دو مرحله فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی نماز به ترتیب در میانه و پایان دوره مکی انجام گرفته است. سپس مرحله جامعه‌سازی دینی و اخلاقی زمانی پیگیری شده که مسلمانان در حال آماده شدن برای هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی و نبوی بوده‌اند. این مرحله در آغاز دوره مدنی نیز همچنان به صورتی جدی ادامه پیدا کرده است. درنهایت و در پایان دوره مدنی، مرحله آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی به صورتی مفصل تبیین و به تثبیت دین قیّم با محوریت نماز اشاره می‌شود.

جدول پیوست: مراحل نهادینه‌سازی نماز در جامعه بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها بر پایه روایت تاریخ یعقوبی و پژوهش آیت‌الله معرفت

| شماره مرحله | عنوان مرحله                                     | نام سوره‌ها                                          | ترتیب نزول یعقوبی                | ترتیب نزول معرفت                 |
|-------------|-------------------------------------------------|------------------------------------------------------|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱           | معرفی نماز به مثابه آیین معرفتی اخلاقی و مناسکی | العلق<br>المزمل<br>المدثر<br>الأعلى<br>القيامة       | ۱<br>۴<br>۵<br>۹<br>۲۷           | ۱<br>۳<br>۴<br>۸<br>۳۱           |
| ۲           | فرهنگ‌سازی نماز در سطوح فردی و اجتماعی          | الأعراف<br>فاطر<br>مریم<br>طه<br>یونس<br>الأنعام     | ۳۵<br>۳۹<br>۴۰<br>۴۱<br>۴۶<br>۵۰ | ۳۹<br>۴۳<br>۴۴<br>۴۵<br>۵۱<br>۵۵ |
| ۳           | گفتمان‌سازی و کارکردگرایی با محوریت نماز        | لقمان<br>الشوری<br>ابراهيم                           | ۵۲<br>۵۵<br>۶۷                   | ۵۷<br>۶۲<br>۷۲                   |
| ۴           | جامعه‌سازی دینی و اخلاقی در پرتو نماز           | الانبیاء<br>المعارج<br>العنکبوت<br>البقرة<br>الأحزاب | ۶۸<br>۷۴<br>۷۹<br>۸۴<br>۸۸       | ۷۳<br>۷۹<br>۸۵<br>۸۷<br>۹۰       |
| ۵           | آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از جامعه دینی و نمازگزار | النساء<br>البینة<br>النور<br>المائدة<br>التوبة       | ۹۲<br>۹۸<br>۸۹<br>۱۰۸<br>۱۰۹     | ۹۲<br>۹۸<br>۱۰۳<br>۱۱۳<br>۱۱۴    |

## فهرست منابع

- قرآن کریم (سیدعلی موسوی گرمارودی، مترجم).
- نهج البلاغه (سیدعلی موسوی گرمارودی، مترجم).
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۴). ثواب الاعمال وعقاب الاعمال. الشریف الرضی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. دارالکتب العربی.
- ابن سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. دار احیاء التراث العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب. دارالفکر.
- امین، نصرت بیگم (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. بی تا.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن. دارالکتب العلمیه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق). المحاسن. دارالکتب الاسلامیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف. دار الفکر.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۹). رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول. پژوهش های قرآنی، ۱۶ (۶۲)، ۷۱-۲۷.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۰). همگام با وحی. سبط النبی.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول). پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۳). روش کشف الگوی اسلامی مهندسی فرهنگ. راهبرد فرهنگ، ۷ (۲۷)، ۱۱۸-۹۲.
- بهجت پور، عبدالکریم؛ سلطانی، محمد (۱۴۰۱). جدول قابل اطمینان ترتیب سوره ها. نشریه قرآن پژوهی، ۱ (۳)، ۱۰۱-۱۲۶.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۱۲ق). الكشف و البیان. دار احیاء التراث العربی.
- دهقانی، فرزاد؛ مصطفایی، محمد (۱۳۹۹). بازکاوی تعامل فعال بین خدا و انسان در مواجهه با بلایا و نقش آن در سلامت معنوی. قرآن و طب، ۵ (۱)، ۱۲۸-۱۳۷.
- ربانی خواه، احمد؛ دهقانی، فرزاد؛ علی محمدی، محمد (۱۴۰۱). مواجهه قرآن با برده داری در سیر خطی نزول. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۲۸ (۷۱)، ۲۵۶-۲۷۵.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا). مناهل العرفان. دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). الإقتان فی علوم القرآن. دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة. فرهنگ اسلامی.
- صالح، صبیحی (۱۴۰۶ق). مباحث فی علوم القرآن. الشریف الرضی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم. دارالکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان لعلوم القرآن. ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الأمم والملوک (تاریخ الطبری). دار التراث.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). أطیب البیان فی تفسیر القرآن. اسلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. مؤسسة دارالهجرة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط. دارالکتب العلمیه.
- قاسم پور، محسن (۱۳۸۸). انواع و جایگاه روایات بیانگر مکی و مدنی در تفسیر قرآن. حدیث پژوهی، ۱ (۱)، ۹۹-۱۲۸.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث. بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. دارالکتب.
- کلباسی اشتری، زهرا؛ احمدنژاد، امیر؛ مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۹۸). کاوشی درباره تاریخ گذاری و مخاطب شناسی سوره ماعون. علوم قرآن و حدیث، ۵۱ (۲)، ۲۱۷-۲۳۸.
- <https://doi.org/10.22067/naqhs.v5i1i2.62989>
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، محققان). تهران دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. مؤسسة الرسالة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. دار إحياء التراث العربی. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸). تاریخ قرآن. سمت. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دارالکتب الإسلامیه. نکنونام، جعفر (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن. هستی‌نما. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق). الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. دارالقلم. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی‌تا). تاریخ الیعقوبی. دار صادر.



# An Analytical Study of the Institutionalization and Consolidation of Prayer in Society Based on the Chronological Order of Quranic Surahs

Abd al-Hadi Feqhizadeh<sup>1</sup>  Mojtaba Mohammadi Anviq<sup>2</sup>  Farzad Dehghani<sup>3</sup> 

1. Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Ilam, Ilam, Iran (Corresponding Author.)

3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Corresponding Email: [mo.mohammadi@ilam.ac.ir](mailto:mo.mohammadi@ilam.ac.ir)

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2024.473319.1380>

## Introduction

The teachings and ordinances of the Qur'an were gradually revealed to the Muslims and went through distinct phases within the Islamic society of Mecca and Medina. Studying the historical sequence of these revelations helps to establish clear developmental models for each subject. One of the major benefits of identifying the timing of Qur'anic verses-whether pre- or post-Hijrah-is gaining a more accurate understanding of early Islamic events and the proper contextualization of the Prophet's Sunnah.

In this regard, the present study seeks to examine the verses related to prayer in the Qur'an according to the chronological order of revelation and to analyze the process by which prayer was institutionalized and consolidated in the Muslim community. These verses were revealed under varying circumstances-some during the early Meccan phase, others during the establishment of Islamic governance in Medina. A close reading of this chronological trajectory in light of the diverse social and cultural contexts of Mecca and Medina enables us to identify a structured, phased process of how prayer became a social institution.

## Methodology

The study uses a descriptive-analytical approach to investigate the institutionalization of prayer based on the chronological descent of Qur'anic sūrah. Data were gathered through library and citation-based research. The primary data for analysis consist of Qur'anic verses, with secondary support from tafsīr literature.

The research method is rooted in content analysis using a tanzīlī (chronological revelation) framework. In the first step, verses related to prayer were identified; in the second, they were arranged according to the order of revelation. Then, based on thematic axes and situational context, their content was analyzed and interpreted. To understand the sequence of revelation, the study relies on classical reports about sūrah chronology-mainly attributed to Ibn 'Abbās and transmitted through figures like Abū Ṣāliḥ and Muḥammad ibn Sā'ib al-Kalbī-as cited in works such as al-Ya'qūbī's Tārīkh. According to these reports, 82 sūrah were revealed in Mecca and 32 in Medina, and their order is marked using the particle thumma (then), which this study uses as a basis for analysis. The research also incorporates Muhammad Hādī Ma'rīfāt's critical arrangement of sūrah chronology, which draws upon versions by both Ibn 'Abbās and Jābir ibn Zayd.



## Findings

Analyzing the prayer-related verses in chronological order reveals a structured model for the institutionalization and consolidation of prayer within the Islamic society. The Qur'an initially emphasizes the individual dimension of prayer. It then gradually introduces its familial and social aspects, eventually embedding it into the community through a five-stage process:

1. Introducing prayer as a spiritual-ethical and ritual practice.
2. Cultural normalization of prayer at both individual and social levels.
3. Discourse formation and functional framing centered on prayer.
4. Religious and ethical community-building through prayer.
5. Diagnosis and removal of challenges, including answering objections and criticisms.

The spiritual and ritual nature of prayer was established from the earliest Meccan revelations. The stages of cultural normalization and discourse formation unfolded during the middle and late Meccan periods. The phase of ethical and religious community-building was initiated as Muslims prepared to emigrate to Medina and establish an Islamic polity, and it continued into the early Medinan period. Finally, during the later Medinan phase, a comprehensive process of diagnostic reflection and critique was developed, reinforcing the foundations of religion-particularly the central role of prayer.

## Conclusion

The Qur'an presents a developmental framework for prayer that begins with individual engagement, then expands to familial and societal dimensions, followed by outlining its functional roles in the community. It concludes by addressing the potential harms and objections surrounding prayer. Even after the institutionalization of prayer, the Qur'an continues to highlight its significance, benefits, and to refute adversarial narratives.

From the outset of the Meccan period, prayer was introduced as a defining ritual. The cultural normalization and discourse formation phases followed in mid- and late-Meccan stages. Community-building efforts began during the preparatory phase for the Hijrah and continued into the early Medinan stage. Finally, the phase of critical analysis and consolidation was articulated in the late Medinan period, culminating in a firm Qur'anic emphasis on prayer as the cornerstone of dīn qayyim-the upright religion.

## Keywords

Cultural Normalization of Prayer, Institutionalization of Prayer, Religious Community-Building, Chronological Revelation, Meccan and Medinan Phases.

## Author contributions

ADS: Writing - original draft, Writing - review & editing.

## Conflict of interest

The author affirms that this research was conducted without any commercial or financial affiliations that could be interpreted as a potential conflict of interest.

## Publisher's note

All claims expressed in this article are solely those of the authors and do not necessarily represent those of their affiliated organizations, or those of the publisher, the editors, and the reviewers. Any product that may be evaluated in this article, or claim that may be made by its manufacturer, is not guaranteed or endorsed by the publisher.

## References

- The Qur'ān (trans. S. A. Mousavi Garmaroudi). [In Persian]
- Nahj al-Balāghah (trans. S. A. Mousavi Garmaroudi). [In Persian]
- al-Balādhurī, A. b. Y. (1996). *Ansāb al-Ashraf*. Dār al-Fikr. [In Arabic]
- al-Barqī, A. b. M. b. Kh. (1951). *al-Maḥāsīn*. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]
- al-Firūzābādī, M. b. Y. (1994). *al-Qāmūs al-Muḥīṭ*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- al-Jawzī, 'A. b. 'A. (2001). *Zād al-Masīr fī 'Ilm al-Tafsīr*. Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]
- al-Ṭabarī, M. b. J. (1967). *History of Nations and Kings (Ṭabarī's History)*. Beirut: Dār al-Turāth. [In Arabic]
- al-Ṭabarī, M. b. J. (1992). *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Dār al-Ma'rifah. [In Arabic]
- al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān, Ṭūsī, M. b. al-H. (n.d.). Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz, 'A. b. A. Wāḥidī (1994). *al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz*. Dār al-Qalam. [In Arabic]
- Ālūsī, M. b. 'A. (1994). *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- Amin, Nosrat Begum (n.d.). *Makhzan al-'Irḥān in the Sciences of the Qur'an*. [In Persian]
- Bahjatpour, 'A.-K. (2010). "A New Approach to Exegesis Based on the Chronological Order of Revelation." *Quranic Studies*, 16(62), 27–71. [In Persian]
- Bahjatpour, 'A.-K. (2011). *In Step with Revelation*. Sebṭ al-Nabī. [In Persian]
- Bahjatpour, 'A.-K. (2013). *Tanzilī Commentary (by Order of Revelation)*. Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Bahjatpour, 'A.-K. (2014). "The Method of Discovering the Islamic Model of Cultural Engineering." *Strategic Culture*, 7(27), 92–118. [In Persian]
- Bahjatpour, 'A.-K., & Soltani, M. (2022). "A Reliable Table of the Order of Surahs." *Quranic Research*, 1(3), 101–126. [In Persian]
- Dehghani, F., & Mostafaei, M. (2020). "Reexamining the Dynamic Interaction Between God and Human in the Context of Calamities." *Qur'an and Medicine*, 5(1), 128–137. [In Persian]
- Farrāhīdī, Kh. b. A. (1989). *Kitāb al-'Ayn*. Dār al-Hijrah. [In Arabic]
- Firūzābādī, M. b. Y. (1994). *al-Qāmūs al-Muḥīṭ*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- Ghiffārī, 'Alī Akbar (2019). "A Study on the Dating and Audience of Sūrat al-Mā'ūn." *Qur'anic Sciences and Hadith*, 51(2), 217–238.
- Ibn Abī Ḥātim, 'A. b. M. (1999). *Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm*. Maktabat Nizār Muṣṭafā al-Bāz. [In Arabic]
- Ibn Bābiwayh, M. b. 'A. (1985). *Thawāb al-A'māl wa 'Iqāb al-A'māl*. al-Sharīf al-Raḍī. [In Arabic]
- Ibn al-Jawzī, 'A. b. 'A. (2001). *Zād al-Masīr fī 'Ilm al-Tafsīr*. Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]
- Ibn 'Aṭīyyah, 'A. b. Gh. (2001). *al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- Ibn Mānzūr, M. b. M. (n.d.). *Lisān al-'Arab*. Dār al-Fikr. [In Arabic]
- Kalbasi Ashtari, Z., Ahmadnejad, A., & Mahdavi Rad, M.-A. (2019). "A Study on the Dating and Audience of Sūrat al-Mā'ūn." *Qur'anic Sciences and Hadith*, 51(2), 217–238. <https://doi.org/10.22067/naqhs.v51i2.62989> [In Persian]
- Kulaynī, M. b. Y. (1987). *al-Kāfī*, eds. 'Alī Akbar Ghiffārī & M. Ākhūndī. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]
- Ma'rifat, M. H. (2009). *History of the Qur'an*. SAMT. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsīr-e Namūneh*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Persian]
- Majlisī, M. B. (1983). *Bihār al-Anwār*. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]

- Mukātil b. Sulaymān (2002). *Tafsīr Muqātil b. Sulaymān*. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Muqātil b. Sulaymān (2002). *Tafsīr Muqātil b. Sulaymān*. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Muttaqī al-Hindī, 'A. b. H. al-D. (1989). *Kanz al-'Ummāl fī Sunan al-Aqwāl wa al-Af'āl*. Mu'assasat al-Risālah. [In Arabic]
- Nekounam, J. (2001). *An Introduction to the Dating of the Qur'an*. Hastinama. [In Persian]
- [Qasempour, M. \(2009\). "Types and Roles of Traditions Indicating Meccan and Medinan Verses in Exegesis." \*Hadith Studies\*, 1\(1\), 99–128. \[In Persian\]](#)
- Qumī, 'A. b. I. (1984). *Tafsīr al-Qummī*. Dār al-Kitāb. [In Arabic]
- Qurashi, 'A.-A. (1996). *Tafsīr-e Ahsan al-Hadīth*. Ba'that Foundation. [In Persian]
- [Rabani-Khah, A., Dehghani, F., & Ali-Mohammadi, M. \(2022\). "The Qur'an's Confrontation with Slavery in the Linear Order of Revelation." \*Historical Studies in Quran and Hadith\*, 28\(71\), 256–275. \[In Persian\]](#)
- Šālih, Š. (1986). *Studies in Quranic Sciences*. al-Sharīf al-Raḍī. [In Arabic]
- Suyūṭī, J. al-D. (2000). *al-Itqān fī 'Ulūm al-Qur'ān*. Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]
- Suyūṭī, J. al-D. (1983). *al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi-l-Ma'thūr*. Mar'ashī Najafī Public Library. [In Arabic]
- Šādiqī Tehrānī, M. (1986). *al-Furqān fī Tafsīr al-Qur'ān bi-l-Qur'ān wa al-Sunnah*. Islamic Culture. [In Arabic]
- Tha'labī, A. b. M. (1991). *al-Kashf wa al-Bayān*. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1970). *al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Mu'assasat al-A'lamī. [In Arabic]
- Ṭabarānī, S. b. A. (2008). *al-Tafsīr al-Kabīr: Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm*. Dār al-Kitāb al-Thaqāfī. [In Arabic]
- Ṭabarsī, F. b. H. (1993). *The Comprehensive Commentary on the Qur'an*. Nāšir Khosrow. [In Persian]
- Ṭabarī, M. b. J. (1967). *History of Nations and Kings (Ṭabarī's History)*. Dār al-Turāth. [In Arabic]
- Ṭabarī, M. b. J. (1992). *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Dār al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. al-H. (n.d.). *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Ṭayyib, 'A.-H. (1990). *Aṭyab al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Islam. [In Persian]
- Zarqānī, M. 'A. (n.d.). *Manāhil al-'Irfān*. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Wāhidī, 'A. b. A. (1994). *al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz*. Dār al-Qalam. [In Arabic]
- Ya'qūbī, A. b. A. Y. (n.d.). *History of al-Ya'qūbī*. Dār Šādir. [In Arabic]

#### How to cite:

Feqhizadeh, Abd al-Hadi; Mohammadi Anviq, Mojtaba; Dehghani, Farzad . (2025). An Analytical Study of the Institutionalization and Consolidation of Prayer in Society Based on the Chronological Order of Quranic Surahs. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 1-23. <http://doi.org/10.22034/jksl.2024.473319.1380>